

بازتاب پوستر منتشر شده در سایت رهبر معظم انقلاب

انتقام حتی است

پوستر منتشر شده در سایت رهبر معظم انقلاب که در آن وعده انتقام سخت از آمران به قتل سردار قاسم سلیمانی مورد تأکید قرار گرفته، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های دنیا داشت.



به گزارش تسنیم، در این پوستر، تصویر دونالد ترامپ در حالی که در حال بازی گلف است از بالا نشان داده شده و سایه پهبادی که قرار است او را هدف قرار دهد نزدیک او افتاده است. فرازی‌هایی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره انتقام حتمی شهادت سردار سلیمانی از «قاتل» و «آمر به قتل» حاج قاسم در این پوستر منتشر شده است: «قاتل سلیمانی و آمر به قتل سلیمانی باید انتقامشان را پس بدهند. اگر چه کفش پای سلیمانی هم بر سر قاتل او شرف دارد، اما بالاخره غلطی کردند بایستی انتقام پس بدهند، هم آمر و هم قاتل بداندند که در هر

زمان ممکن باید انتقامشان را پس بدهند.» حساب‌توتیتری منتسب به سایت رهبر معظم انقلاب هم این پیام را منتشر کرده است.

بیانیه دیپلمات‌های پیشین ایرانی خطاب به جو بایدن:

گفت‌وگوهمیشه‌ا‌بز از مناسب دیپلماسی برای رسیدن به اهداف مشروع است

شماری از معاونین ادوار گذشته وزارت امور خارجه و سفرای پیشین جمهوری اسلامی ایران در بیانیه‌ای خطاب به «جو بایدن»، رئیس‌جمهوری جدید آمریکا اعلام کردند که ایران در صورت لغو تحریم‌ها به اجرای کامل تعهدات برجامی‌اش بازخواهد گشت و پیرامون موضوع دیگری غیر از برجام گفت‌وگو نخواهد کرد. در این بیانیه با اشاره به اینکه بازگشت به برجام یکی از سر فصل‌های وعده آقای «بایدن» بود، آمده است: «اگر دولت جدید امریکاتمایل دارد گام‌های اعتمادساز و مثبتی را در رابطه با جمهوری اسلامی ایران بردارد، باید بداند که فرایند بازگشت به برجام از همان جایی آغاز می‌گردد که دولت ترامپ از آن خارج شد و تعهدات بین‌المللی آمریکا ناشی از برجام را نقض نمود.» همان‌طور که رهبری معظم‌ به صراحت اعلام کرده‌اند: «اگر آنها به تعهدات خود بازگردند ما نیز برمی‌گردیم.» به گزارش «براساس این بیانیه، آن‌تجا که امریکاخود از بانیان توافق برجام بوده واین توافق توسط قطعنامهٔ ۲۲۳۱ شورای امنیت مورد تأیید و تأکید قرار گرفته و در واقع توافق برجام جزو لاینفک قطعنامهٔ ۲۲۳۱ است، براساس مادهٔ ۲۵ منشور ملل متحد، ملزم و متعهد به اجرای کامل تعهدات مندرج در توافق برجام بوده‌است. نویسندگان با اشاره به اینکه دولت آقای بایدن به‌خوبی آگاه‌است که احیای تحریم‌هایی که توسط دولت قبلی آمریکا با نقض تعهد برجامی خود صورت گرفت عملاً موجب برقراری تحریم‌ها علیه مردم ایران و محروم کردن آنان از حقوق حقه خود است، افزوده‌اند: «بر همین اساس دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری سابق امریکابه دلیل ارتکاب جنایات متعدد ضدبشری و نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بینانی بشرو اعمال تحریم‌های ظالمانه از جمله در خصوص دارو و غذا علیه مردم ایران و ترویج و حمایت از تروریسم دولتی از جمله اعتراف صریح و آشکاروی در صدور دستور برای ترور سهرید شهید قاسم سلیمانی باید محاکمه و مجازات شود.»

به‌اعتقاد نویسندگان این نامه، چنانچه امریکا از دشمنی باجمهوری اسلامی ایران دست بردارد، شرایط جدید فراهم خواهد شد تا زمینه‌کاوش و رفع تنش از منطقه ما فراهم گردد. آنها در نهایت تصریح کرده‌اند: «ما قویاً معتقدتیم گفت‌وگووتفاهم‌همیشه‌ابزار مناسب دیپلماسی برای رسیدن به‌اهداف مشروع در جهت برقراری و تحکیم صلح و عدالت وثبات وامنیت در منطقه‌است.»

وقتی علما و نخبگان حاشیه‌نشین می‌شوند

این وضعیت اما باید امروز بیش از هر چیز برای فضای علمی، دانشگاهی و حوزوی کشور جای نگرانی داشته باشد، چرا که توسل افراد به اقدامات موهن و سخیف بیش و پیش از هر بخش دیگری، باعث سيطرة ابطال در آن بخشی می‌شود که این افراد از آن برخاسته و توسط آن، اعتبار گرفته‌اند. به همین جهت نیز فعالیت بخش‌های حوزوی، دانشگاهی و علمی کشور در برابر این دست سخنان و رفتارها، بیش از هر چیز دیگر باعث نگرانی و عامل استمرار و شدت یافتن این وضعیت در آینده خواهد بود. اینجاست که باید حسرت خورد که ای کاش حوزه‌های علمیه و علمای مذهبی ما به عنوان مرجعی که دارای اعتبار تاریخی بین مردم هستند سریع‌تر و قاطع‌تر از هر جای دیگری در برابر برخی ادعاها و اتهامات و افتراها، اقدام به موضع‌گیری می‌کردند. شکی نیست که چنین اقدامی اول از هر چیز بر اعتبار حوزه و علمای حوزه در چشم مردم می‌افزود.

مع‌الأسف اما باید گفت که ما هم‌اکنون چه از نظر سطوح مختلف سیاسی و چه در ساخت نهادهای علمی و حوزوی دچار نوعی انفغال در برابر این وضعیت شده‌ایم. حتی فراتر از این در جاهایی می‌توان نشانه‌هایی یافت که برخی در همین سطوح، منافع خویش را در استمرار این دست رفتارها می‌بینند. رفتارهایی که اخلاق، اعتماد و اتحاد اجتماعی و عمومی ما را با سرعت بالایی رو به زوال می‌برد و خطرانی چند وجهی را پیش روی ما می‌گذارد که حتی می‌تواند ارزش‌های تمدنی ما را نیز که حاصل انباشت قرن‌ها هم‌زیستی اخلاقی است، در چشم به هم زدن ما مانند اسید در خود حل کرده و جامعهای عاری از اخلاق و کرامت را بر پا کند.

بر همین اساس است که اظهارنظرها و بد زبانی‌هایی مانند آنچه را اخیراً رخ داد نباید صرفاً یک مورد محدود و فردی دید. این تنها یک نشانه از صدها نشانه مشابهی است که فارغ از اینکه گوینده آن چه کسی است و ناظر به چه مقامی آن حرف‌ها را زده، باید زنگ خطر سقوط ارزش‌ها و کرامات اخلاقی را برآی همه ما به صدا در بیاورد و منجر به تجدید نظر جدی در راهی که می‌رویم بشود.

توت اول

آنگهی مزایده عمومی یک مرحله‌ای

کارخانه تولید کاغذ استاد بهادر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد ضایعات خود شامل: پنبه ضایعاتی، روغن سوخته و... (۱۶ پارتی) را از طریق برگزاری مزایده عمومی یک مرحله‌ای به فروش برساند. لذا متقاضیان شرکت در مزایده می‌توانند ضمن بازدید ضایعات از تاریخ ۹۹/۱۱/۵ تا تاریخ ۹۹/۱۲/۲۰ به‌نشانی مازندران، آمل، کیلومتر ۷ جاده چمستان، جهت ارائه پیشنهاد به سامانه تذکرات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir مراجعه نمایند. (پیشنهاد خارج از سامانه قابل پذیرش نمی‌باشد) ضمناً مبلغ شرکت در فرآیند ارجاع کار (به تفکیک) و سایر شرایط مزایده در سامانه قید شده است و آخرین مهلت ارائه پیشنهاد ساعت ۱۳ روز دوشنبه مورخه ۹۹/۱۲/۲۰ می‌باشد. شماره تماس کارخانه: ۰۳۱۳۳۷۵۵-۰۳۱۳۳۷۵۱-۰۱۱

- شنبه ۴ بهمن ۱۳۹۹
- سال بیست و هفتم
- شماره ۷۵۴۸

در گفت‌وگو با «ایران» مطرح شد

تبری اصولگرایان از توهین به مسئولان

آشنا: مردم اهل ملاقه و منقل را بخوبی می‌شناسند / صالحی: با سخنان غرض‌آلوده زاویه‌ها را بیشتر و دشمنان را شادمان نکنیم



و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند.» محمود واعظی، رئیس دفتر رئیس‌جمهوری در «توتیتر» علت افزایش بی‌اخلاقی‌ها و هجمه‌ها به رئیس‌جمهوری را رقابت‌های انتخاباتی ۱۴۰۰ دانست و گفت: «هر چه به انتخابات ۱۴۰۰ نزدیک می‌شویم توهین به رئیس‌جمهوری و تخریب دولت افزایش می‌یابد، این روش غیراخلاقی که با آموزه‌های دینی ما مغایر است، برای توهین‌کنندگان محبوبیت نمی‌آورد، از عزم و اراده رئیس‌جمهوری و دولت برای تلاش بیشتر در این شرایط سخت و خدمت به مردم نمی‌کاهد.»

سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم با بیان اینکه «ادبیات سخیف، توهین و افترا از همه بد است و در کسوت روحانیت، آن هم از رسانه ملی، بدتر!» تصریح کرد: «با سخنان غرض‌آلوده زاویه‌ها را بیشتر و دشمنان ایران را شادمان نکنیم.» معصومه ابتکار معاون رئیس‌جمهوری هم با بازشر بخشی از آیه ۱۱ سوره حجرات، خطاب به این چهره که در کسوت روحانیت هم هست، نوشت: «از یکدیگر عیب‌نگیرید

و نهی از منکر باشیم، طرح مطالب

گروه سیاسی/ اظهارات توهین‌آمیز احمد جهان‌بزرگی در برنامه «زاویه» شبکه چهار، بار دیگر نشان داد که این روزها بی‌اخلاقی تا چه اندازه به سکه رایج در محافل سیاسی مخالف دولت تبدیل شده است، سکه‌ای که بازار نقد عالمانه اندیشه‌ها و گفت‌وگوی سالم اندیشه‌های سیاسی را نیز تحت‌الشعاع قرار داده است.

وقتی که جهان بزرگی نسبت‌های ناروایی را متوجه منتخب ۲۴ میلیون ایرانی می‌کرد، چشم‌های بهمت زده عماد افروغ، دیگر میهمان این برنامه، به تنهایی گویای عمق فاجعه بود تا جایی که مجری برنامه ناچار شد به این به اصطلاح استاد دانشگاه که از قضا در کسوت روحانیت هم هست، یادآوری کند که «به‌جای تمرکز روی افراد و مصادیق، باید یک سیاست‌ها تمرکز شود تا گفت‌وگو سیاست زده نشود.»

موضوع برنامه «پرسش از مناسبات قدرت اجتماعی و قدرت سیاسی» ناظر بر بنیان‌های جمهوری اسلامی ایران بود و هدف از آن، بررسی نقش، جایگاه و عاملیت مردم در نظام جمهوری اسلامی، عماد افروغ، استاد سابق دانشگاه تربیت مدرس، در این برنامه از الزامات و مسئولیت دوجانبه مردم و مسئولان نسبت به یکدیگر گفت، هرچند نقش مسئولان را به مراتب پررنگ‌تر از مردم دید. از جمله اینکه گفت: «ما یا نباید مردم‌سالاری دینی تشکیل می‌دادیم یا اگر تشکیل دادیم، باید به الزامات آن پایبند باشیم اما ما مردم‌سالاری دینی تشکیل دادیم، از این‌رو نظارت باید دو لبه باشد، نظارت دو لبه، یعنی عده‌ای باید باشند که هم ما و مردم را بین منطق و اخلاق نقد و امر به معروف و نهی از منکر باشیم، طرح مطالب

حجت‌الاسلام علی اکبر رشاد، رئیس این پژوهشگاه هم، با تأکید بر اینکه افترا غیر از انتقاد است و نباید انتقاد به انتقام خط‌شود، رعایت حریم مقامات و مسئولان نظام را مورد تأکید جدی رهبر معظم انقلاب دانست و تأکید کرد: «ما طلبه‌ها بیش از سایر اقشار باید پایبند منطق و اخلاق نقد و امر به معروف و نهی از منکر باشیم، طرح مطالب

نظم اجتماعی را سست نکنید

به شخصه برنامه اخیر زاویه را به تمامی ندیده‌ام و قضاوتی درباره کلیات سخنانی که در آن مطرح شده و یا اطلاع دقیقی از جزئیات آنچه به

عنوان اهانت به مقاماتی در خلال آن سخنان اتفاق افتاده ندارم. با این حال به نسبت آنچه جست و گریخته در رسانه‌ها بازتاب یافته و براساس آنچه هر از گاه سبب اعتراض به نحوه بیان انتقادات می‌شود باید بگویم که آنچه اصل است این است که اگر فردی می‌خواهد نقدی را مطرح کند باید در وهله نخست حریم افراد را حفظ کند و جایگاه اجتماعی شخص را مدنظر قرار دهد.

بی‌توجهی به این ملاحظات و خدای نکرده مرتکب شدن به حریم‌شکنی، توهین و افترا هیچ نتیجه مثبتی در بر ندارد؛ نه شخص گوینده را عزیز می‌کند و نه کمکی به اثبات یا فهم مسائل می‌نماید. توهین به افراد و خصوصاً به کسانی که جایگاه اجتماعی ویژه‌ای دارند تبعات مناسبی در جامعه باقی نمی‌گذارد.

نتیجه آن این است که رسم و سنتی به وجود می‌آید و زمینه این فراهم می‌سازد که آحاد جامعه که تربیونی هم ندارند چه در میان خود و چه علیه مقامات به توهین و افترا بپردازند و نظم و نظام اجتماعی سست شود. منتها مساله این است که ما ناظران جز این تحزیر و تذکر دادن‌ها کار دیگری از دستانم بر نمی‌آید. شاید یک راهکار این باشد که مدعی‌العموم به راحتی از این مسائل عبور نکند.

برخورد با مصادیق توهین و افترا اگر با رویه‌ای یکسان نسبت به همه افراد و جریان‌ها جاری باشد شاید بتواند تا حدودی مانع از ادامه یافتن این رویه نادرست جاری در فضای اجتماعی و سیاسی و رسانه‌ای کشور شود.

توهین خلاف آموزه‌های دینی

متأسفانه هنوز در جامعه‌مان نتوانسته‌ایم مرزبندی میان انتقاد و توهین و افترا را تبیین کنیم. مصادیق این مسأله هم صرفاً محدود به رسانه ملی و مثلاً آنچه در روزهای اخیر در برنامه زاویه و توسط میهمان متضمن اتهام و توهین به کار بردن، زیرا توهین از طرف هیچ‌کس علیه هیچ فرد دیگری جایز و قابل دفاع نیست بالاخص همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند زیاد شده، بگیرد.

وافترا به مسئولان گذشته و حال را شاهد بوده‌ایم. توهین و افترا از طرف هرکسی و علیه هر کسی چه آن فرد عالی‌مقام باشد، چه یک مدیر میانی یا حتی یک شهروند عادی و از هر دولت و جریانی باید به یک میزان مذموم دانسته شود.

میهمان محترم برنامه زاویه می‌توانستند انتقادات خودش را به‌صورت مستدل مطرح کند و نه اینکه الفاظ متضمن اتهام و توهین به کار ببرند. زیرا توهین از طرف هیچ‌کس علیه هیچ فرد دیگری جایز و قابل دفاع نیست بالاخص همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند

شکایت خواهد کرد. همزمان نمایندگان قوه مجریه در شورای نظارت بر سازمان صداوسیما نیز خواستار برخورد حقوقی با هتاکي در برنامه تلویزیونی زاویه شدند. این نمایندگان در نامه‌ای به رئیس شورای نظارت بر سازمان صداوسیما خواهان پیگیری موضوع و بررسی نحوه جلوگیری از چنین اقداماتی در برنامه‌ها شدند.

■ **تبری جستن شبکه چهار** در ادامه، روابط عمومی شبکه چهار صداوسیما هم در بیانیه‌ای رسمی، با تبری جستن از اظهارات میهمان خود تأکید کرد که اتفاق ناخوشایندی که از سوی میهمان برنامه زاویه رخ داد، مخالف صریح بیانات رهبری مبنی بر حفظ حرمت مسئولان و مغایر با سیاست‌های کلی شبکه چهار است. البته این شبکه، در نهایت با مسئولیت را صرفاً به دوش جهان بزرگی انداخت و نوشت: «مسئولیت اظهار نظر میهمانان و کارشناسان برنامه زنده بر عهده خود آنان است و می‌بایست آن را جبران کنند.»

در بیانیه شبکه چهار به کلامی از امام علی(ع) اشاره شده است که می‌فرماید: «خرد آدمی مایه سامان اوست و ادبش مایه قوام او و راستی‌اش پیشوای اوست و سپاسگزاری اش کمال او.» از این‌رو، از صداوسیما به‌عنوان رسانه ملی و متعلق به ملت و نظام و نیز سایر چهره‌های سیاسی که این روزها تویخانه خود را علیه دولت به کار انداخته‌اند، باید پرسید آیا به این کلام و ارزش‌های انقلاب باز خواهند گشت؟ هرچند تبری جستن از احمد جهان بزرگی، گامی امیدبخش برای بهبود و سامان یافتن اصل گفت‌وگو در جامعه است، اما نقطه روشن آن جایی خواهد بود که همه طبیف‌ها و جریان‌ها، خود را به گفت‌وگوی آزادانه و توأم با ادب و متانت متعهد بدارند.

خطرات ادبیات افتراق افکنی

در این گزاره نمی‌توان شک کرد که درست‌ترین و بحق‌ترین مسائل اگر با زبانی نامناسب بیان گردند نه تنها تأثیر مطلوبی بر جای نمی‌گذارد که حتی می‌توانند باعث اثر عکس

هم بشوند. این متأسفانه آسیب بزرگی است که فضای گفت‌وگو و مراودات عمومی در جامعه ما و خصوصاً در سطح سیاست به آن مبتلا شده و روزبه‌روز هم بر تعمیق بیشتر این آسیب افزوده می‌شود. اتکا به طرح موارد توهین‌آمیز و متهم کننده، مسأله‌ای است که البته تقریباً تمام جریان‌های فکری کشور در حال حاضر به آن گرفتار شده‌اند. این گرفتاری دو تأثیر مخرب بسیار مهم از خود برای جای خواهد گذاشت که می‌تواند در صورت انباشت، باعث ایجاد خطرانی هم بشود.

تأثیر منفی اول این است که فضای گفت‌وگوی سیاسی و عمومی را از چارچوب استدلال و منطق خارج کرده و وارد فاز منازعه و جدال می‌کند. در چنین فضایی کاملاً روشن است که مصالح عمومی تحت تأثیر هیجانات کاذب و ایجاد حس تنفر و انزجار از یاد رفته و فراموش می‌شوند. حاصل آن نیز چیزی نخواهد بود جز انشقاق وحدت عمومی از یک‌سو و به حاشیه رفتن مسائل اصلی توسط جدل‌های غیرضروری از سوی دیگر. تأثیر منفی دوم این فضا اما جایی است که جامعه تحت تأثیر چنین مناسباتی قرار می‌گیرد. شکی نیست که استفاده از ادبیات و روش‌های حاشیه‌ساز توسط مسئولان و نخبگان سیاسی تنها در بین آنها محدود نخواهد ماند و به سرعت به سطح مختلف جامعه نیز کشانده می‌شود و حوزه اجتماعی و فرهنگی ما را نیز درگیر منازعاتی مشابه می‌کند. منازعاتی که در آن ادبیات مسالمت‌جو و متحدکننده جامعه جای خود را به جنگ‌های کلامی و افتراق‌آمیز می‌دهد. خطر سطره چنین وضعیتی در سطح نخبگان سیاسی و عموم جامعه، خطری است که ابعاد مخرب آن به سادگی قابل درک است و به روشنی مشخص است که تا چه اندازه می‌تواند خیر و صلاح عمومی را قربانی خود کند.

و شدت این مخالفت فقط با به‌کار بردن الفاظ و تعابیر توهین‌آمیز امکان‌پذیر است. در حالی که اگر نگاهی حداقلی به آموزه‌های دینی‌مان هم داشته باشیم، می‌بینیم که این آموزه‌ها مسأله هتک حرمت انسان‌ها و مسلمانان حتی ولو اینکه فرد مؤمنی باشد یا نباشد دارای عواقب سنگینی است و بر اساس این آموزه‌ها می‌توان انتقادات تند، سریع و قاطع نسبت به دیگری داشت اما مرزهای اخلاقی و دینی را هم مراعات کرد و از به کاربردن ادبیات سخیف و زنده و توهین‌آمیز که عواقب دنیوی و اخروی دارد اجتناب کرد.

ضعف اعصاب یا ضعف استدلال؟

گفت‌وگو و تبادل نظر بر پایه استدلال و مفاهیم شکل می‌گیرد. بر همین اساس اگر کسی در یک گفت‌وگو به سمت ایراد اتهام و توهین و بدگویی حرکت کند اولین نتیجه‌گیری منطقی آن است

که فرد گوینده یا از ضعف اعصاب رنج می‌برد یا دچار ضعف استدلال و درگیر عجز در منطق است. جز این هیچ توجیهی وجود ندارد که یک فرد در یک گفت‌وگو به هر بر علمی بودن آن هم تأکید می‌شود، به سمت ایراد افتراهای مضحک پیش برود. آنچه در روزهای اخیر و ناظر به ایراد اتهاماتی علیه رئیس‌جمهوری در صدا و سیما اتفاق افتاد نیز در همین چارچوب قابل بررسی است. اما مایه تأسف این است که این اتفاق شدیداً مسبوق به سابقه است و در سال‌های اخیر نه تنها به کرات و علیه شخصیت‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ما تکرار شده بلکه شاهد هستیم که شدت تکرار آن هم در حال افزایش است.

مایه تأسف دیگر این است که این سخنان را از زبان کسی می‌شنویم که خود ملیس به لباس روحانیت می‌باشد. روحانیتی که در طول تاریخ برای ملت ایران مظهر اخلاق، انصاف، ادب و خویشترداری بوده. با این تفاسیر محترمین نقد این است که چنین روشی را در چارچوب کدام توصیه و رهنمود دینی و مذهبی می‌توان توجیه کرد؟ پرواضح است که در تعلایم و سنت اسلامی و شیعی ما نه تنها هیچ نشانی از چنین دست رفتارها توسط بزرگان دیده نمی‌شود بلکه به شکل گسترده‌ای روایت و حدیث در اکراه اینچنین سخنان داریم. اینکه فردی در کسوت روحانیت، چنین نوع رفتاری آن هم در یک تربیون بسیار وسیع از خود بروز بدهد، خود بزرگترین ضربه به روحانیت و دین در منظر افکار عمومی است. مضاف بر آن باید توجه داشت که این نوع سخنان و دیدگاه‌ها و اشاعه گسترده آن در جامعه از تربیون‌های عمومی، آثاری نامطلوب در میان مردم به همراه دارد که کمترین آن ترویج و تشویق بدزبانی به عنوان یک عیب بزرگ اخلاقی است.

علیه شخصیت‌های تراز اول کشور. بنابر این کسی نمی‌تواند از این سخنان توهین‌آمیز علیه مسئولان کشور به هیچ بهانه‌ای دفاع کند.

اما آنچه فراتر از این مورد و مصداق باید مورد توجه قرار داد ریشه‌یابی و یافتن چرایی مسأله است. به باور من مخدوش بودن مرز میان انتقاد و توهین و افترا یک مسأله با ریشه فرهنگی است. در فرهنگ ما متأسفانه این‌گونه نهادینه شده که وقتی می‌خواهیم مخالفت خودمان را با رفتار یا ایده دیگری ابراز کنیم تصور می‌کنیم بیان اوج



■ **سیدرضا تقوی** نماینده تهران در مجلس



■ **سیدرضا اکرمی** عضو جامعه روحانیت مبارز



■ **محمدتقی رهبر** امام جمعه موقت اصفهان



■ **سیدمحمد غروی** عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم